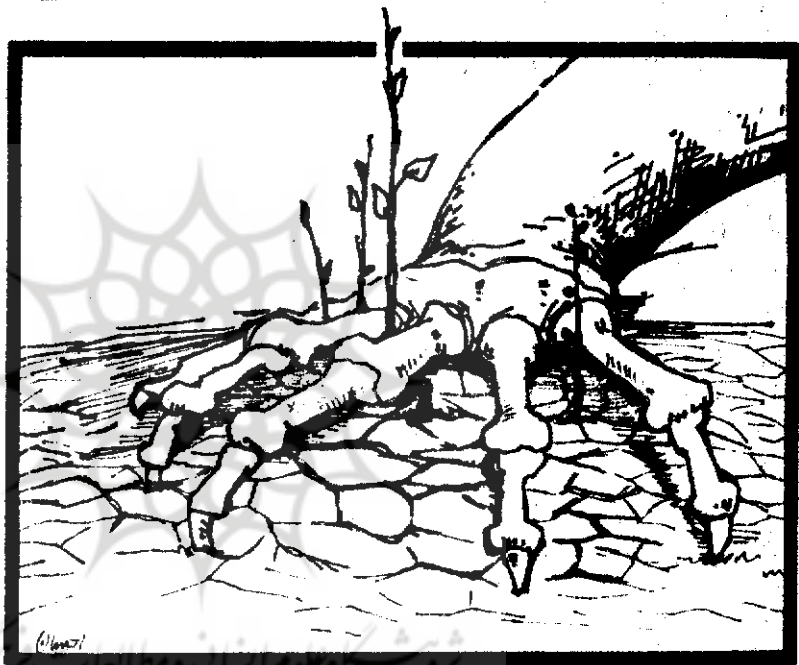


*** طرح اصلاحات ارضی**
 (شاه) بجای اینکه به کشاورز زمین برای کشت دهد تا بوسیله آن بتواند با کار بیشتر زندگی جدیدی را شروع کند او را برای سالیان دراز مقروض کرد و فکرش را به فرهنگ مصرفی دوخت و به فرزندانشان فرار از روستا را آموخت.

*** در سال ۱۹۷۸ -**
 ۳۳۱۰۹۸۰ دستگاه کمباین موجود در کشتزارهای دنیا و حدود ۳/۱۳۳/۹۷۷ دستگاه (حدود ۹۵٪) آن در اختیار کشورهای توسعه یافته بوده است در تمام کشورهای در حال توسعه و محروم منطقه ۱۷۷/۰۰۳ دستگاه کمباین مورد بهره برداری قرار گرفته شده است.

*** مجموع واردات ایران**
 از چند کشور اروپائی در سال ۱۳۳۷ حدود ۲۰۳ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۰ این رقم به ۲/۳ میلیارد دلار افزایش داشته است.

نقش ویرانگرانه استعمار نو در کشاورزی



آن در این ممالک بودند و در بخش کشاورزی هم تنگاتنگ این برنامه برای نابودی استعدادهای بالقوه کشاورزی این کشورها و گاهی تک محصولی کردن آنها در وابستگی سیستمهای اقتصادی ایشان سعی نمودند و از طرف دیگر تقویت رژیمهای وابسته را در ارسال کالاهای مصرفی و تجهیز آنها به یک ارتش تا دندان مسلح را بعهده گرفتند تا ساده تر بتوانند جریانهای آزادیخواهانه را قلع و قمع نمایند. از جمله این ممالک، کشور اسلامی خودمان بود که بعد از فراغت دنیا از جنگ جهانی دوم، بار ظلم یک سیستم ستم شاهی را به دوش می کشید و

بسم الله الرحمن الرحیم
 پس از جنگ دوم جهانی و تثبیت رژیم گذشته، که با ظهور قدرت اقتصادی جدیدی در دنیا روبرو گشت، کلیه مناسبات ظالمانه قدرتهای بزرگ با همان کیفیت در شکلی دیگر ظاهر گشت؛ و از طریق ایجاد تراستها و کارتلها و شرکتهای چند ملیتی حرکت دیگری را با توان افزونتر در بهره کشی از ملل مستضعف، آغاز نمودند. بخش صنعت یا پیشرفت سریع تکنیک در مدت کمی کلیه بازارهای جهان محروم را قبضه کرده و در پی فراهم نمودن یک فرهنگ تمام عیار مصرفی در راه توجیه

با یک چنین مشکلی روبرو بود.

شاه خان به منظور گشودن دروازه‌های تمدن بزرگ بعد از تثبیت موقعیت سیاسی نظامی خود که توأم با کمک اربابانش بوده باصطلاح اقدام به اصلاحاتی در سطح مملکت را نمود از جمله در زمینه کشاورزی با متمسک قرار دادن اصلاحات ارضی شاهانه و خرید زمین از مالکان بزرگ و فروش آن به روستائیان به تشدید ظلم و چپاول آنها پرداخت و از طرفی دست ملاکین را در تقویت روند اقتصادی جدید و سرمایه گذاری در صنایع وابسته را باز نمود و از سوی دیگر آهنگ زوال بخش کشاورزی را با استفاده از طرح اصلاحات ارضی آغاز نمود و بجای اینکه به کشاورز زمین برای کشت دهد تا بوسیله آن بتواند با کار بیشتر زندگی جدیدی را شروع کند او را برای سالیان دراز مقروض کرد و فکورش را به فرهنگ مصرفی دوخت و به فرزندانش فرار از روستا را آموخت. در نگاه گذرا به آنچه در طول سلطنت این پدر و پسر بر این مملکت رفته است حقایق شگفت و تاسف باری را مشاهده می کنیم بعنوان مثال در بخش کشاورزی نوشته اند در سال ۱۳۱۰ ایران آنقدر غله برای صادرات آماده کرده که اواخر کار دچار کمبود گونی شدند و کارخانه گونی باقی گیلان برای جبران همین کمبود ساخته شد ولی پس از گذشت مدتی سیر قهرانی وابستگی در کلیه شئون نمایان گشت.

امپریالیسم تازه نفس جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار با کمک هم پیمانانش در نظام بی نظم برنامه ریزی رژیم پلیس، کاملاً عنان را بدست گرفته، دروازه شهرها را بر روی کالاهای اروپائی و امریکائی باز نمودند و با رشد فرهنگ زندگی مصرفی و ایجاد صنایع وابسته در شهرها از یک طرف و چپاول نفت از سوی دیگر، کشاورزی و کشاورزان ما را در یک بن بست قرار دادند و آن اینکه یا به شغلای کاذب و صنایع مونتاژ رو بیاورند و درحلی آبادهای اطراف شهرها زندگی کنند و یا با کمترین امکانات و در بدترین شرایط به قرص نانی در روستاهایشان انکفا کنند. طبق آمارهای موجود در سال ۱۳۳۵ - ۶۲ درصد روستائین و ۲۸ درصد شهرتین داشتیم و در سال ۱۳۵۵ جمعیت شهری ما ۵۳٪ و روستائینان ما ۲۷٪ را تشکیل می دادند (۲) البته در این رهگذر، عوامل بسیاری را باعث شد که این عزیزان ستمکشیده به این سرنوشت دچار شوند از جمله اختلاف شدید درآمدها و عدم وجود تسهیلات و امکانات خدماتی - درمانی و بهداشتی و رفاهی و آموزش که البته در شهرها هم برای قشر خاصی بود و هم چنین تبلیغات رژیم در رشد فرهنگ مصرفی و ایجاد شهرهای جدید و بزرگ و... و از جانب دیگر دشمن قسم خورده این ملت در کنار این حیل روز به روز تخریبات صنعتی خود در بخشهای مختلف از جمله کشاورزی می افزود و با مکانیزه کردن کشاورزی و افزایش تولید در واحد سطح اقدام به

سدور مواد غذایی مورد نیاز کشورهای مستعمره خویش را می نمود. در یک آمار این ترفند به سادگی مشهود است. در سال ۱۹۷۸ - از ۳/۳۱۰/۹۸۰ دستگاه کمباین موجود در کشتزارهای دنیا حدود ۲/۱۳۳/۹۷۷ دستگاه (حدود ۹۵٪) آن در اختیار کشورهای توسعه یافته بوده است و در تمام کشورهای در حال توسعه و محروم فقط ۱۷۷/۰۰۳ دستگاه کمباین مورد بهره برداری بوده است و در همان سال ۸۱٪ تراکوره‌های جهان در اختیار ۱۶ کشور بزرگ صنعتی بوده است یعنی از ۱۹/۸ میلیون دستگاه تراکتور حدود ۱۷/۱ میلیون دستگاه آن در مزارع و کشتزارهای کشورهای توسعه یافته مشغول بکار بوده است و تنها ۲/۷۵ میلیون دستگاه تراکتور در دسترس کشورهای در حال توسعه قرار داده شده است (۳) که با توجه به اینکه بیش از نیمی از مواد اولیه کشورهای صنعتی را ممالک عقب نگاه داشته شده تامین می کنند با اینحال به منظور وابسته نگهداشتن آنها به قرص نانی همواره باید در بدترین شرایط زندگی بسر برند جا دارد به ذکر آمار دیگری در این زمینه اشاره شود در سال ۱۹۷۸ کشورهای قاره افریقا که وسعت اراضی قابل کشت آنها بیش از ۱۵۲ میلیون هکتار بوده است تنها از ۲۲۸ هزار دستگاه تراکتور و ۲۳ هزار دستگاه کمباین استفاده می کرده اند در حالیکه طی همین سال کشور ژاپن با کمتر از ۵ میلیون هکتار زمین قابل کشت بیش از یک میلیون دستگاه تراکتور و ۳۳۰ هزار دستگاه کمباین در بخش کشاورزی بکار گرفته است (۴) دشمن با یک چنین برنامه زالو حفتانه ای در کلیه شئون ما رسوخ کرده بود و قصد نابودی و غارت ذخائر مادی و معنوی ما را داشت و با استخراج بی حد و حصر نفت، سعی در وابسته نمودن اقتصاد ما را داشت در یک بررسی کوتاه روابط بازرگانی بین ایران و چند کشور اروپائی این مطلب مشهود است. مجموع واردات ایران از چند کشور اروپائی در سال ۱۳۳۷ حدود ۲۰۳ میلیون دلار بوده است که در سال ۱۳۵۰ این رقم تا ۲/۳ میلیارد دلار افزایش داشته است (۶) که بیش بینی کرده بودند تا پایان همان سال ۶۰٪ افزایش یابد، لذا با این جهتی که رژیم جبار در پیش گرفته بود انحطاط بخش کشاورزی روز افزون بود و کشاورزان مظلوم که ناخودآگاه در بستر این جریان فرار گرفته بودند با پشت کردن به روستا، در شهرهای مجاور و بظاهر صنعتی در بخشهای مختلف به امرار معاش ساده خود می پرداختند و دشمن شیطان صفت هم، خوشحال و سرمست از بکار گیری نیروی کار ارزان در صنایع وابسته و گسترش بازار مصرف در پشتیبانی از رژیمانی غافل نبود و مملکتی که تا قبل از جنگ اول از صادر کنندگان غلات بوده است سال به سال بر واردات خود مخصوصاً مواد غذایی می افزود از جمله نمائی از آن در آمار زیر مشاهده می شود (۷)

میزان واردات غلات

سال	وزن
۱۳۵۲	۱/۰۳۳/۹۶۹
۱۳۵۳	۲/۰۵۳/۸۷۷
۱۳۵۴	۲/۰۷۶/۵۱۸
۱۳۵۵	۱/۲۲۷/۰۷۵
۱۳۵۶	۲/۶۶۰/۰۶۴
۱۳۵۷	۱/۹۹۲/۲۲۸

این سیر صعودی واردات غله نمونه ای از واردات مواد غذایی از امریکا و سایر هم پیمانان او می باشد که کشورهای هلند و اسرائیل تامین بخشی از مرغ و تخم مرغ مورد نیاز ایران و دولت استرالیا و زلاندنو - فرانسه در تهیه دام زنده و گوشت گوسفند، بره و گوساله را بعهده گرفته بودند و بطور کلی میزان واردات مواد غذایی بین سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ یعنی ظرف ۶ سال ۶۰۰ درصد افزایش داشته است که در جدول زیر نیز این وابستگی مشهود است.

میزان خرید مواد غذایی (۸)

سال	میلیون دلار
۱۳۵۱	۲۰۶
۱۳۵۲	۳۲۷
۱۳۵۳	۸۵۲
۱۳۵۴	۱۵۵۵
۱۳۵۵	۱۳۳۲
۱۳۵۶	۱۴۸۶

سال	مقدار
۱۳۵۶	۲/۶۶۰/۰۶۴ تن گندم
۱۳۵۶	۵۹۰/۰۰۰ تن برنج
۱۳۵۶	۳۳۲/۰۰۰ تن جو

میزان صادرات

سال	مقدار
۱۳۳۱	۶۲۰۰۰ تن برنج
۱۳۳۲	۴۸۰ تن گندم
۱۳۳۲	۱۵۳۸۱ تن جو

در مورد امور دامی میزان واردات نباتات علوفه ای برای تغذیه دامها از ۷۰۰ هزار تن در سال ۱۳۵۶ به ۱/۷۵ میلیون تن در سال ۱۳۵۸ افزایش داشته است (۹) و در این رابطه نیز محصولات کشاورزی که حاضر به مهاجرت به شهرها نشده بودند بویژه غلات آنها به قیمت کمتری در مقابل گندم امریکا خریداری می شد (گندم جزء مهمترین اقلام صادرات امریکا به شمار می رود) که مسلماً برای کشاورزان مقرون به صرفه نبوده و تمایل آنان را به کشت کم می نمود و این سیاست در مورد محصولات اساسی دیگر کشاورزی نیز اعمال می شد و این برنامه ها در مملکتی بود که وسعتی حدود ۱۶۵ میلیون هکتار دارد که ۱۱۴ میلیون هکتار آن برای کشاورزی مناسب نبوده (هر چند که در همین اراضی هم سالانه حدود ۲/۵ میلیون هکتار

تجدید و توسعه

نقش ویرانگرانه....

زیر کشت آبی و دیم قرار می گیرد) از این میزان حدود ۱۹ میلیون هکتار اراضی متوسط برای کشت ۳۲ میلیون هکتار آن دارای استعداد خوب برای کشاورزی است (۱۰) که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با نیازی که به تولید محصولات کشاورزی احساس می شد در همان سال افزایش تولید گندم در سطح بسیار خوبی انجام گرفت اما با روشی که رژیم گذشته با کشاورزی برخورد نموده بود برنامه ریزی اساسی در مجموعه سیستم کشاورزی و زودین زنگارهای وابستگی از چهره آن ضروری و حتمی نظر می رسید.

مشکلات عمده بخش کشاورزی در بدو پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه های زمین، آب... عدم برنامه ریزی جهت دار، ضعف فرهنگ روستائیان عزیز، مآخلاقه می گشت که عبارتند از:

- ۱- مشکلات قانونی زمین در رابطه با مالکیت بهایرت دیگر روشن نبودن مقررات مربوط به مالکیت منابع ارضی و آبی که منجر به تزلزل در برنامه ریزی در اراضی می شود.

- ۲- مشکلات جغرافیائی که با توجه به اینکه ۵۳٪ بلرانی که در ایران می بارد در شمال و غرب کشور است که فقط ۲۵٪ از سطح زیر کشت کشور را شامل می شود و در بعضی نقاط کمبود بارندگی وجود دارد و به طرز متناسب و مشخص این بارندگی صورت نمی گیرد و از طرفی منابع روزمینی آب (رودخانه ها، چشمه سارها) کنترل و مورد مصرف قرار نمی گیرد و هم چنین منابع زیر زمینی آب بطور متناسب و اصولی توزیع نشده است و میزان تبخیر در سطح بالایی می باشد لذا نقش موثری در کد نمودن آهنگ خودکفائی به خود اختصاص داده است.

- ۳- ساخت تشکیلاتی نامتناسب سازمانهای اجرایی و ذریع مسائل کشاورزی که منجر به پراکنده کاری و دوباره کاری و عدم تمرکز برنامه های صحیح در پرداخت وام - توزیع نهاده های

کشاورزی... شده است که لازم است در اسرع وقت نسبت به این مشکل اساسی چاره اندیشی کرد و با ایجاد یک تشکیلات مشخص و با برنامه پویا و مکنی که اطلاعات کافی در خصوص مشکلات کشاورزی داشته باشد گامی اساسی جهت خودکفائی برداشته شود.

- ۴- عدم آگاهیهای کشاورزی در کشت که منجر به صدمه زدن به زمینهای مزروعی می شود.
- ۵- روشهای غیر اصولی انتقال آب و آبیاری و عدم توجه کافی به نحوه بهره برداری از آبهای ذخیره شده در پشت سد.

- ۶- بالا بودن هزینه استحصال که برداشت محصول را برای زارعین مشکل می کند.

با توجه به روند افزایش جمعیت و نیاز مردم به تناسپ تولید در بخش کشاورزی چنانچه مشکلات حل نشود و برنامه ریزی اصولی و همگام با سایر برنامه های اقتصادی در جهت خودکفائی در مملکت تنظیم نشود این موضوع در آینده بصورت مشکل بزرگی خودمئائی خواهد کرد که برای رفع آن یکی افزایش سطح زیر کشت و دیگری افزایش تولید در واحد سطح را باید سرلوحه قرار دهیم که اینهم با برنامه های مشخص و مطالعه شده در زمینه حل نارسائیهای فوق میسر است لذا در این خصوص در زمینه آب و خاک لازم است در اولین گام مشکلات قانونی موجود را از میان برداریم که با تصویب طرح زمین امید است انشاء... در آینده نزدیک یکی از اساسی ترین مشکلات این بخش حل شود و با مشخص شدن مدیریت حمایت کشاورزی حداکثر استفاده را از استعدادهای بالقوه در این بخش بنمائیم و با ایجاد صنایع کوچک و وابسته به کشاورزی در مناطق مختلف مملکت زمینه های اجتماعی و اقتصادی مهاجرت روستائیان را از شهرها به روستا فراهم کنیم. البته استقلال سیستم اقتصاد کشاورزی در کنار سایر بخشهای اقتصادی مملکت

میسر است لذا با تقویت فرهنگ خودکفائی و بستن مرزها و تکمیل و توسعه صنایع داخلی و ایجاد راههای مواصلاتی بین روستا و شهرها و بردن امکانات خدماتی - رفاهی - آموزشی به روستاها تقویت روستا و روستا نشین را بدنبال خواهد داشت. با توجه به زحماتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی متولیت این بخش از اقتصاد با وجود مشکلات زیاد متحمل شدند تولیدات در سطح بسیار خوبی بالا رفته است بطوریکه در سال ۱۳۶۰ حدود ۶ میلیون هکتار از اراضی زیر کشت گندم قرار داشته و حدود ۶ میلیون و ۶۵۰ هزار تن محصول داشته ایم (۱۱) که با توجه به مصرف و نیاز داخلی سالانه که حدود ۸/۲ میلیون تن می باشد امید است تا چند سال دیگر به مرز خودکفائی برسیم، اما همانطوریکه در بالا آمد هر چند این امارها نوید دهنده خودکفائی هستند اما زمانی کامل و همیشگی خواهند بود که در بستر یک برنامه ریزی دقیق و حسابشده قرار گیرد انشاء... و السلام

پاورقی

۱-۱

۲- زیتون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴

۳- سازمان خواربار کشاورزی رم ۱۹۷۹

۴- سازمان خواربار کشاورزی رم ۱۹۷۹

۵- اطلاعات ۲۵/۷/۵

۶- اطلاعات ۲۵/۲/۵۴

۷- سازمان برنامه و بودجه اطلاعات ۱۶/۱/۶۱

۸- گزارش اقتصادی و ترننامه سال ۵۶ تهران

ص ۲۳۶

۹- سازمان برنامه و بودجه

۱۰- گزارش کمیسیون فوری معاونت طرح

و بررسیهای نخست وزیری خرداد ۱۰-۶۲۳ ص ۱۲

۱۱- اطلاعات ۱۴/۲/۶۱

۱۲- کیهان ۱۱/۸/۶۱

پاورقی

(۱) - اکثر جوانهای بشاگرد و اصولا جنوب، برای

بست آوردن نان، به شیخ نشینهای خلیج فارس می رفته اند

(۲) - این دشت را جهادسازندگی بشاگرد هشت هویزه نام نهاده است.

از طی کردن کیلومترها راه، در آنسوی بشاگرد به دریا می ریزد و این چیزی است که اساسی ترین فعالیتهای ما را بخوش خوانده است، اینکه چگونه از این سیلابهای گنرا استفاده کنیم.

از بیماری نگفتم، بشاگرد یک مریضخانه است. هر که را می بینی به نوعی بیماری مبتلاست. بیماری از تغذیه بدو عدم تغذیه و عدم رعایت بهداشت و نبودن هیچگونه اثری از درمان، روز بروز، اوج می گرفته و افراد بیشتری را به کام کوری و مرگ فرو می برده است. اخیرا قدمهایی در بهبود وضع درمانی اهالی صورت گرفته که در خور توجه نیست و طرح جهادسازندگی بشاگرد، می تواند با تجمع اهالی پراکنده، و اسکان آنان در یک

جهادسازندگی بشاگرد، دنبال می شود. امروز ما با امکاناتی محدود و زمانی اندک (دو ماه) که از عمر جهاد بشاگرد سپریست، توانسته ایم: یک هزار اصله نهال خرما بکاریم و چهار کیلومتر کانال آبرسانی در سخت ترین شرایط احداث کنیم و دهها هکتار از زمین های دشت هویزه را آماده کشت سازیم.

در ماه جدید، اقدام به کوچ یک روستای محروم می کنیم و استعدادهای شناسایی شده منطقه را مورد استفاده قرار خواهیم داد.

بارندگی، گاه چنان نظم زندگی را در بشاگرد بهم می ریزد که نتیجه تمام تلاشهای اهالی را به آب و سیل خویش می شوید و می برد آبی شیرین و سالم و جاری، که بیپوده از دامنه ها سرزیر میشود و پس